مفهوم «بیعت» و تأثیر آن بر اتحاد و همبستگی اجتماعی با تأکید بر نامه‌های امام علی علیه‌السلام به معاویه
زینت السادات طباطبایی / محمد معرفت / طیبه اکبری راد
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۱ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، تابستان ۱۴۰۵، ص ۱۹۵-۲۰۸

مفهوم «بیعت» و تأثیر آن بر اتحاد و همبستگی اجتماعی با تأکید بر نامه‌های امام علی علیه‌السلام به معاویه

زینت السادات طباطبایی[۱] / محمد معرفت[۲] / طیبه اکبری راد[۳]

چکیده: مفهوم «بیعت» در تاریخ اندیشه اسلامی و اجتماعی، به عنوان توافق و پیوند میان افراد و گروه‌ها به ویژه در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. این مقاله با رویکردی جامعه شناختی، بیعت و تأثیر آن بر انسجام اجتماعی را بررسی می‌کند. در این راستا، ابتدا تعاریف گوناگون بیعت و معنای آن در فرهنگ‌های مختلف تحلیل می‌شود، سپس با روش تحلیل کیفی و مطالعه اسنادی، نقش بیعت در ایجاد و تقویت همبستگی اجتماعی در جوامع مختلف بررسی خواهد شد. هدف از این پژوهش، شناخت عمیق‌تر این است که بیعت، به عنوان یک پیوند اجتماعی، چه ظرفیتی در ارتباط میان افراد و گروه‌ها ایجاد کرده و بر همبستگی اجتماعی چه تأثیری می‌گذارد. نتایج نشان می‌دهد که بیعت نه تنها موجب ثبات سیاسی و اجتماعی می‌شود، بلکه به عنوان عاملی اخلاقی در تقویت پیوندها و اعتماد اجتماعی میان اعضای جامعه عمل می‌کند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، نهج البلاغه، بیعت، همبستگی اجتماعی.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰؛ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰.

۱. دانشجو دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
zi. tabatabaei@iau. ac. ir

۲. دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
m. marefat@iau. ac. ir

۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
akbarirad@iau. ac. ir

مقدمه

بیعت به عنوان مفهومی بنیادین در فرهنگ اسلامی، در تاریخ اسلام و تفکر دینی مسلمانان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این عمل، که به معنای پیمان و توافق میان فرد و فرد یا فرد و جامعه است، نه تنها در بستر سیاسی و اجتماعی ظهور اسلام شکل گرفت، بلکه به عنوان ابزاری مؤثر در تقویت همبستگی اجتماعی نیز شناخته می‌شود. قرآن کریم و نهج البلاغه، به عنوان دو منبع اصیل اسلامی، از بیعت به عنوان مفهومی کلیدی یاد کرده و وجوه مختلف معنایی آن را تبیین کرده اند.

در قرآن کریم، بیعت به شکل‌های گوناگون در مناسبات مختلف اجتماعی و سیاسی ذکر شده است. بیعت نه تنها نشانه‌ای از اعتقاد و وفاداری به اصول اسلامی است، بلکه به عنوان پیوندی عمیق میان مسلمانان و رهبران دینی عمل می‌کند. در نهج البلاغه نیز، خطبه‌ها و نامه‌های امام علی علیه‌السلام به تفسیر ابعاد مختلف بیعت و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی و سیاسی مسلمانان پرداخته و اهمیت آن را در ایجاد اعتماد، مسئولیت پذیری و همبستگی میان افراد جامعه برجسته ساخته است.

با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی دوره‌های مختلف اسلامی، بیعت به عنوان ابزاری برای شکل گیری انسجام و اتحاد اجتماعی قابل تحلیل است. این عمل در مواقعی که جامعه با چالش‌ها و بحران‌های مختلف روبرو بوده، توانسته منبع ایجاد وحدت و همدلی گردد. لذا در این مقاله تلاش خواهد شد تا از طریق تحلیل وجوه معنایی بیعت در قرآن و نهج البلاغه، تأثیرات تاریخی آن بر اتحاد و همبستگی اجتماعی در جوامع اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش با هدف شناخت بهتر از ابعاد اجتماعی بیعت، می‌تواند به بازآفرینی این مفهوم در زندگی اجتماعی امروز کمک کند و به نوعی پاسخی به نیازهای جامعه معاصر اسلامی باشد.

طرح بحث

الف) مفهوم شناسی بیعت

۱. معناشناسی لغوی

کلمه «البیعه» از ریشه (ب ی ع)، مصدر ثلاثی مجرد باب فَعَل یَفعِل است. در کتب

لغت پیرامون معنای لغوی آن آمده است: «أصل مادة (بیع) تدل علی بیع الشيء» (ابن فارس، ۳۲۷/۱). خلیل بن احمد فراهیدی می‌گوید: «بیعت دست به دست هم دادن بر ایجاب بیع و معامله است، همچنین به معنای دست به دست هم دادن برای اطاعت نیز به کار می‌رود» (خلیل بن احمد، ۳۲۱). راغب اصفهانی نیز می‌گوید: «بایَع السلطانَ؛ با سلطان بیعت کرد» یعنی فرد به ازای خدماتی که سلطان انجام می‌دهد، پیروی و اطاعت از وی را می‌پذیرد (مفردات راغب، ماده بیع).

بیعت و بیع از یک ریشه و دارای معنای نزدیک به هم اند. لغویین در سرّ ارتباط معنوی آن می‌گویند: «اصل این واژه دلالت بر معاقده و مبادله مال به مال دارد و بیعت نیز چون نوعی مبادله و معامله است، از همین ریشه گرفته شده است».

در مورد معنای اصطلاحی نیز گفته اند: «بیعت، پیمان بستن برای فرمانبری و اطاعت است. بیعت کننده با امیر خویش پیمان می‌بندد که در امور مربوط به خود و مسلمانان، تسلیم نظر وی باشد» (مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۰۰). سیوطی نیز روایت می‌کند که عبادة بن صامت گفت: «ما با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کردیم بر این که در خوشحالی و ناراحتی از او اطاعت کرده و امر به معروف و نهی از منکر نماییم و از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نهراسیم» (رضوانی، ۱۳۸۵، ۲۳/۲).

جدول شماره ۱؛ لغت شناسی «البیعه»	
التولية و عقدها	أقرب الموارد
المبايعة بالخلافة: هي أن يُمسك أعيان البلاد يدَ مَن يُوَلّونه الخلافة علامةً لقبولهم	المنجد فی اللغة
البَيْعة الصفقة لإيجاب البيع على المتابعة و الطاعة	تهذيب اللغة
الصَّفْقة على إيجاب البيع و على المبايعة و الطاعة	لسان العرب

۲. بیعت در قرآن

در نگاهی کلی به سنت بیعت در قرآن، بر پایبندی به آن در قالب آموزه وفای به عهد تأکید فراوان شده است. آیه ۷ مائده مسلمانان را به یادآوری و تعهد به پیمانی که در عقبه دوم بستند دستور می‌دهد: «وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُم بِهِ».

آیات ۹۱ و ۹۵ نحل از نقض بیعت نهی کرده اند. در آیه ۹۱ می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا». برخی مفسران معتقدند این آیه درباره نومسلمانانی که با پیامبر ﷺ بیعت می‌کردند نازل شده و از آنها خواسته بر پیمان خود استوار باشند. آیه ۱۰ فتح مهم‌ترین آیه درباره بیعت است که با صراحت می‌فرماید هرکس پیمان شکنی کند تنها به زیان خود شکسته و آن کس که به عهد الهی وفا کند پاداش عظیمی خواهد یافت.

۳. مترادفات البیعه

کتب لغت چند واژه را به عنوان مترادف بیعت عنوان کرده اند:

جدول شماره ۲؛ مترادف یابی «البیعه»

عبارات نهج البلاغه	مترادف یابی	مترادف
نامه ۵۳: وَمِنْهَا أَهْلُ الجِزْيَةِ وَالخَرَاجِ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ	پیمان ذمه؛ بیشتر در امور مالی و حقوقی	الذِّمَّة
خطبه ۷: وَأَخَذَ إِلَيهِمُ الْمِيثَاقَ...	عمیق‌ترین مترادف؛ تعهد در هر زمینه اجتماعی یا دینی	المیثاق
نامه ۸: أَحْمِلُكُمْ عَلَى الْتِزَامِ هذَا التَّعَهُّدِ	تعهدات اخلاقی و شخصی؛ وعده میان افراد	العَهْد
تَعَاقَدُوا عَلَى الْمَنِيَّةِ	هر نوع توافق عمومی؛ قراردادهای تجاری و اجتماعی	العقد

۴. تحلیل معنایی

واژه بیعت در همه موارد به معنای پیمان است، اما تفاوت‌های ظریفی در کاربردهای آن دیده می‌شود. «الذمّه» عموماً در موارد مالی و حقوقی به کار می‌رود، در حالی که «البیعه» به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی تعلق دارد (نوروزی، ۱۷۰/۱). «عقد» گستره وسیع تری از کاربرد دارد و به همه انواع توافقات اشاره می‌کند، اما بیعت بیشتر در زمینه‌های سیاسی، دینی و اجتماعی و در مواجهه با رهبری به کار می‌رود (الزحیلی، ۱۴۰۹ق، ۸۱). «میثاق» قرابت عمیق تری با بیعت دارد و می‌تواند به توافق‌های پایدارتر اشاره کند؛ کاربرد آن در نهج البلاغه با بیعت مترادف است.

«العهد» در برخی موارد با بیعت همپوشانی دارد، اما بیعت بیشتر به تعهدات سیاسی و اجتماعی و حمایت از رهبری مرتبط است، درحالی که عهد به تعهدات اخلاقی و شخصی میان افراد مربوط می‌شود (شیران و صفوی زاده، ۱۳۸۸، ۱۸۹).

۵. وجوه معنایی بیعت

۵-۱. پیمان سیاسی (انتخاب و مشروعیت)

این بیعت توافقی رسمی است که در آن فردی به عنوان رهبر انتخاب می‌شود و پیروان به او وفاداری می‌کنند. در این معنا، بیعت نشان دهنده اراده مردم در انتخاب حاکم و مشروعیت بخشیدن به اوست. امام علی علیه‌السلام در خطبه ۷۳ نهج البلاغه، هنگامی که از ارزش بیعت مروان سخن گفت، فرمود: «أَوَلَمْ يُبَايِعْنِي بَعْدَ قَتْلِ عُثْمَانَ لَا حَاجَةَ لِي فِي بَيْعَتِهِ إِنَّهَا كَفٌّ يَهُودِيَّةٌ» مگر بعد از قتل عثمان با من بیعت نکرد؟ مرا به بیعت او نیاز نیست، دستش دست یهودی خائن است.

این معنا در نامه ۶ نهج البلاغه نیز آمده است: «إِنَّهُ بَايَعَنِي الْقَوْمُ الَّذِينَ بَايَعُوا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ عَلَى مَا بَايَعُوهُمْ عَلَيْهِ فَلَمْ يَكُنْ لِلشَّاهِدِ أَنْ يَخْتَارَ وَلَا لِلْغَائِبِ أَنْ يَرُدَّ». «همان کسانی که با ابوبکر، عمر و عثمان بیعت کردند، با همان شرایط با من بیعت نمودند؛ بنابراین نه آنکه حاضر بود اختیار فسخ دارد و نه آنکه غایب بود اجازه رد کردن».

۵-۲. بیعت اخلاقی (وفاداری و مسئولیت)

بیعت اخلاقی نه تنها تعهدی فردی بلکه نیازی اجتماعی برای ایجاد و حفظ جامعه‌ای سالم است. امام علی علیه‌السلام در خطبه ۲۴ نهج البلاغه می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ: فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ». این جمله نشان می‌دهد که وفاداری به بیعت یکی از حقوق امام بر امت است.

وفاداری به بیعت نه تنها تعهدی سیاسی، بلکه اصلی اخلاقی است که صداقت و ایمان افراد به ارزش‌های اسلامی را نشان می‌دهد. امام در خطبه ۳۲ نهج البلاغه می‌فرماید: «وَإِنَّمَا الْمُؤْمِنُ مَنْ أَحْكَمَ الْعَهْدَ وَأَصْبَحَ عَلَى الْوَفَاءِ». مؤمن کسی است که عهد را محکم کند و بر وفاداری بایستد. خداوند در آیه ۱۸ سوره فتح به بیعت رضوان اشاره می‌فرماید: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ».

۳-۵. بیعت مذهبی

در قرآن به گونه‌ای از بیعت اشاره شده که در آن شخص پیمان مسلمانی می‌بندد. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ» (ممتحنه، ۱۲). این بیعت ناظر بر پذیرش اصول اخلاقی و دینی اسلام است.

۴-۵. پیمان اجتماعی و حقوقی (تعهد و تضمین)

در برخی موارد، بیعت بیانگر تعهد و تضمین وفاداری و عدم دشمنی است. این نوع بیعت توافقی رسمی اجتماعی است که افراد با هدف حمایت از رهبری خاص انجام می‌دهند. امام علی علیه‌السلام در نامه ۸ به جریر بن عبدالله بجلی، هنگامی که او را به نزد معاویه فرستاد، می‌نویسد: «ثُمَّ خَيِّرْهُ بَيْنَ حَرْبٍ مُجْلِيَةٍ أَوْ سِلْمٍ مُخْزِيَةٍ فَإِنِ اخْتَارَ الْحَرْبَ فَانْبِذْ إِلَيْهِ وَإِنِ اخْتَارَ السِّلْمَ فَخُذْ بَيْعَتَهُ». «او را مخیّر کن بین جنگ یا تسلیم؛ اگر جنگ را اختیار کرد اعلام جنگ کن و اگر تسلیم شد از او بیعت بگیر».

۵-۵. بیعت مشروط و منفعت طلبانه

بیعت مشروط و منفعت طلبانه به پیمانی اشاره دارد که بر پایه شروط و منافع فردی استوار است. امام علی علیه‌السلام در خطبه ۲۶ نهج البلاغه، از عمروعاص و معاویه می‌فرماید: «وَلَمْ يُبَايِعْ حَتَّى شَرَطَ أَنْ يُؤْتِيَهُ عَلَى الْبَيْعَةِ ثَمَنًا فَلَا ظَفِرَتْ يَدُ الْبَائِعِ وَخَزِيَتْ أَمَانَةُ الْمُبْتَاعِ». «بیعت نکرد تا اینکه شرط کرد در برابر آن بهایی دریافت کند؛ دست فروشنده به پیروزی نرسد و امانت خریدار خوار شود!»

این جمله به روشنی نشان می‌دهد که بیعت مشروط به منافع شخصی نه تنها به نتیجه نمی‌رسد، بلکه اعتماد و امانت را نیز از بین می‌برد. امام علیه‌السلام بر اهمیت پایبندی به اصول در بیعت تأکید می‌کنند و هرگونه بیعتی که بر پایه چانه زنی مادی باشد را محکوم می‌دانند.

جدول شماره ۳؛ خلاصه وجوه معنایی «البیعه»	
عبارات	وجوه معنایی
خطبه ۷۳: إِنَّهَا كَفٌّ يَهُودِيَّةٌ؛ نامه ۶: بَايَعَنِي الْقَوْمُ الَّذِينَ بَايَعُوا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ	پیمان سیاسی (انتخاب و مشروعیت)
خطبه ۲۴: وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ: فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ	بیعت اخلاقی (وفاداری و مسئولیت)
ممتحنه ۱۲: يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ	بیعت مذهبی
نامه ۸: فَإِنِ اخْتَارَ السِّلْمَ فَخُذْ بَيْعَتَهُ	پیمان اجتماعی و حقوقی
خطبه ۲۶: وَلَمْ يُبَايِعْ حَتَّى شَرَطَ أَنْ يُؤْتِيَهُ عَلَى الْبَيْعَةِ ثَمَنًا	بیعت مشروط و منفعت طلبانه

ب) تحلیل اجتماعی بیعت

بیعت به عنوان مفهومی تاریخی و اجتماعی، در جوامع مختلف به گونه‌های متفاوتی تفسیر شده است. تاریخ اسلام با بیعت‌هایی آغاز می‌شود که مسلمانان با پیامبر ﷺ و سپس با خلفا داشتند؛ این بیعت‌ها نه تنها به معنای پیروی از رهبر بودند، بلکه تأکیدی بر ارزش‌های اجتماعی و دینی مسلمانان نیز بودند (یاوری و محدر، ۱۳۹۷، ص ۶۵-۹۴). بیعت به عنوان سازوکاری اجتماعی، نقش مهمی در شکل گیری قدرت‌های سیاسی و رابطه میان رهبری و جامعه داشته است (دورکیم، ۱۹۹۲، ص ۲۵-۳۰).

پس از وفات پیامبر ﷺ، بیعت با خلفای راشدین به آنها این امکان را داد که مشروعیت خود را نزد مسلمانان اثبات کنند (شهیدی، ۱۳۶۸، ص ۴۰-۴۵). در جوامع مدرن نیز بیعت به معنای پیوستن به ایده‌ها یا جنبش‌ها تفسیر می‌شود و می‌تواند در شکل جنبش‌های اجتماعی، اعتراضات و رأی گیری‌ها نمایان شود (رنانی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰-۱۰۵). جامعه شناسان بر این باورند که بیعت هم به عنوان وسیله کنترل اجتماعی عمل می‌کند و هم به عنوان وسیله‌ای برای تجلی اراده جمعی (دورکیم، ۱۹۹۲).

۱. تأثیرات عاطفی بیعت

بیعت به عنوان پیمانی اجتماعی، می‌تواند احساسات قوی از جمله وفاداری، تعلق و احترام متقابل را در میان اعضای جامعه به وجود آورد. امیل دورکیم بیان می‌کند که

احساس تعلق به یک گروه باعث تقویت هویت جمعی می‌شود (دورکیم، ۱۹۱۲، ص ۳۴). آنتونی گیدنز نیز بیعت را مکانیزمی می‌داند که از طریق آن افراد به یکدیگر پیوند می‌یابند و احساس امنیت و ثبات عاطفی را تجربه می‌کنند (گیدنز، ۱۹۹۱، ص ۱۰۳).

بیعت عقبه دوم نه تنها نمایانگر پذیرش دین جدید بلکه نشان دهنده پیوند عاطفی عمیق میان مسلمانان و پیامبر اسلام بود و به ایجاد هویت اجتماعی و مذهبی قوی در میان مسلمانان منجر شد (ابن هشام، ۱۳۹۶، ص ۳۳۰). بیعت غدیر نیز که در آن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علی علیه‌السلام را به عنوان وصی معرفی کرد، نمونه‌ای از تعلق و تعهد عاطفی است که تبعات سیاسی و اجتماعی عمیقی داشت.

۲. تأثیرات اجتماعی بیعت

بیعت به عنوان پیمانی اجتماعی می‌تواند ساختار اجتماعی را تقویت و نظم اجتماعی را برقرار کند. ماکس وبر معتقد است بیعت‌ها به عنوان قراردادهای اجتماعی، مبنای مشروعیت حکومت‌ها را تشکیل می‌دهند (وبر، ۱۹۲۱). پیر بوردیو نیز تأکید دارد که بیعت‌ها زمینه ساز ایجاد میدان‌های اجتماعی و تأثیرگذاری بر روابط قدرت می‌شوند (بوردیو، ۱۹۹۰).

پس از درگذشت پیامبر اسلام، بیعت با امام علی علیه‌السلام نشان دهنده تأسیس حکومتی تازه بود که به تقویت اجتماعی افراد کمک کرد. امام در خطبه‌های خود بر برقراری عدل و انصاف تأکید فرمود که خود نشانه ابعاد اجتماعی بیعت است. در دوره معاصر نیز بیعت مردم ایران با مصدق در سال ۱۹۵۱ و ملی شدن صنعت نفت، نمونه‌ای از همبستگی و اراده جمعی برای استقلال اقتصادی و سیاسی بود (موسی نجفی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۱).

۲-۱. مشروعیت بخشی به قدرت

بیعت به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی به حاکمیت، در تاریخ اسلام و سایر جوامع به شدت مورد استفاده قرار گرفته است. در قرآن و سنت، بیعت به عنوان عملی که با توافق عمومی مردم همراه است، نشان دهنده رضایت و توافق بر سر رهبری است. دانشمندان اسلامی تأکید دارند که بیعت نه تنها موجب آرامش اجتماعی می‌شود، بلکه نوعی «کنش اجتماعی» است که روح اجتماعی را تقویت کرده و به عمل مبتنی بر توافق

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۱، تابستان ۱۴۰۵

مشروعیت می‌بخشد (شریعتی، ۱۴۰۰، ۱۴۳).

این موضوع در نظریات جامعه شناسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. نظریه «پیمان اجتماعی» هابس بیان می‌کند که مردم با تشکیل یک بیعت از برخی حقوق خود صرف نظر می‌کنند تا امنیت و نظم را در جامعه تأمین کنند؛ در واقع بیعت نوعی قرارداد اجتماعی است که بر پایه آن افراد حمایت خود را از یک رهبر ابراز می‌کنند و به او این فرصت را می‌دهند که بدون چالش‌های خارجی به حکومت داری بپردازد (هریس و موری، ۲۰۱۵، ۱۲۱). بدین ترتیب، مشروعیت حاکمیت نه بر پایه اجبار، بلکه بر مبنای توافق آزادانه شهروندان استوار می‌گردد.

۲-۲. ایجاد همبستگی اجتماعی

بیعت به عنوان عملی اجتماعی می‌تواند همبستگی و اتحاد را در یک جامعه تقویت کند. این عمل به افراد احساس تعلق و مسئولیت مشترک نسبت به سرنوشت جامعه می‌بخشد. دانشمندان اسلامی همواره تأکید داشته‌اند که بیعت در واقع بیانگر همسویی افراد با رهبری است که نمایانگر آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه است. این همبستگی نه تنها بر مبنای ارزش‌های فرهنگی و دینی شکل می‌گیرد، بلکه افراد را در یک ساختار منسجم اجتماعی قرار می‌دهد (مطهری، ۱۴۰۰، ۲۷۴).

در جامعه شناسی مدرن، این همبستگی اجتماعی به کمک نظریه «درهم تنیدگی اجتماعی» توضیح داده می‌شود که بر اساس آن، ارتباطات میان افراد و پیوندهای انسانی منجر به تقویت انسجام اجتماعی می‌شود. بیعت به عنوان عملی نمادین می‌تواند در ایجاد و تقویت این پیوندها کمک کند و موجب می‌شود که افراد احساس کنند که اعضای یک اجتماع واحد هستند که در کنار هم به سوی اهداف مشترک می‌نگرند (درنیک، ۲۰۲۰، ۷۶).

۲-۳. تقویت هویت ملی و فرهنگی

بیعت می‌تواند به عنوان عاملی برای تقویت هویت ملی و فرهنگی عمل کند. در تاریخ اسلام، بیعت نمادی از وحدت مسلمانان و تجلی هویت فرهنگی آنان بوده است. با انجام بیعت، افراد نسبت به همکاری و پیگیری اهداف مشترک تعهد می‌کنند که موجب تقویت

احساس تعلق و هویت می‌شود (یاوری و محدر، ۱۳۹۷). نظریه پردازان اجتماعی نیز بر این باورند که هویت اجتماعی و ملی عمیقاً تحت تأثیر تعهدات جمعی از جمله بیعت قرار دارد و این نوع همبستگی در نهایت به ایجاد فرهنگی مشترک کمک می‌کند (اندرسون، ۲۰۰۶، ۱۵۱).

۲-۴. تسهیل در فرآیند تغییر اجتماعی

بیعت می‌تواند به عنوان ابزاری برای تسهیل فرآیندهای تغییر اجتماعی عمل کند. در دوران‌های اصلاحی در اسلام، بیعت به عنوان مکانیسمی برای تهییج تغییرات اجتماعی و سیاسی به کار رفته است و می‌تواند به افرادی که قصد تغییر دارند قدرت بیشتری ببخشد (احمدنژاد، ۱۳۹۴، ۱۳۵-۱۶۲). نظریه‌های تغییر اجتماعی نیز تأکید دارند که بیعت به عنوان عملی جمعی، ابزار مؤثری برای بسیج افراد به سوی تغییرات اجتماعی و سیاسی است (تورنر، ۲۰۲۰).

۲-۵. بیان آرمان‌ها و اهداف مشترک

بیعت معمولاً بر مبنای اصول و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد و به افراد امکان می‌دهد اهداف مشترکی را مشخص کنند. در نظریه‌های اسلامی، این نوع بیعت به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه معصومین اشاره دارد که همواره بر اصول اخلاقی و انسانی تأکید داشته‌اند (فاطمی، ۱۳۹۴، ۱۶۱). در جامعه شناسی نیز بیعت به عنوان عملی اجتماعی، ابزاری برای انتقال فرهنگی و اجتماعی اهداف مشترک به شمار می‌رود (پارسنز، ۱۹۶۶).

۲-۶. ایجاد و تقویت تشکیلات اجتماعی و سیاسی

بیعت می‌تواند به تشکیل نهادهای سیاسی و اجتماعی کمک کرده و ساختارهای شناخته شده‌ای برای جامعه فراهم آورد. این عمل، به ویژه در دینی که بر پایه قوانین خاصی استوار شده است، می‌تواند منجر به ایجاد تشکیلات و نهادهای متنوع اجتماعی شود. دانشمندان اسلامی بر این باورند که بیعت با رهبری ای که نماینده تمامیت جامعه باشد، به تأسیس و استمرار نهادهای اجتماعی منجر می‌شود (حسینی، ۱۳۹۷، ۱۱۰).

در جامعه شناسی، بیعت به عنوان مکانیسمی اجتماعی برای سازماندهی افراد و ایجاد نهادهای سیاسی تعبیر می‌شود. این نوعی ساختار اجتماعی است که به گروه‌ها و افراد اجازه می‌دهد تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و در مواقع بحران و تغییرات اجتماعی به یکدیگر کمک

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۱، تابستان ۱۴۰۵

نمایند. این ساختار به عنوان زیرساختی برای شکل گیری نهادهای سیاسی و اجتماعی عمل می‌کند و پایه‌ای محکم برای تعاملات گروهی فراهم می‌آورد (ادموندز، ۲۰۱۵، ۷۱).

۷-۲. اصلاح و هدایت اجتماعی

بیعت می‌تواند به عنوان ابزار اصلاح اجتماعی عمل کند و به رهبری این امکان را بدهد که جامعه را به سمت تغییرات مثبت هدایت کند. این عمل اجتماعی به وسیله ارزش‌ها و اصول اخلاقی تعریف می‌شود که جامعه بر اساس آن عمل می‌کند. دانشمندان اسلامی تأکید دارند که بیعت می‌تواند به رهبری فردی کمک کند که تعهد دارد بر اساس دستورات ائمه معصومین و اصول اخلاقی حکومت کند (پسندیده، ۱۳۸۶، ۶۷-۱۰۶).

در نظریه‌های جامعه شناسی، بیعت به عنوان فرایندی برای اصلاح اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. این نظریه‌ها به این نکته اشاره می‌کنند که بیعت به طور مؤثر می‌تواند تغییرات بنیادین در جامعه ایجاد کند و به افراد کمک کند تا با یکدیگر همکاری کنند تا به اهداف مشترکی دست یابند. بدین ترتیب، بیعت به عنوان ابزاری برای اصلاحات اجتماعی و سیاسی در جاهای مختلف شناسایی شده است (کاستلز، ۲۰۱۰). امام علی علیه‌السلام خود بارزترین نمونه رهبری را ارائه داد که از طریق بیعت مشروعیت یافت و همواره کوشید این بیعت را به سمت عدالت، مساوات و احقاق حق محرومان هدایت کند.

ج) رابطه بیعت با اتحاد و همبستگی اجتماعی

اتحاد و همبستگی اجتماعی به توافق و همدلی میان اعضای جامعه اطلاق می‌شود که در آن افراد، بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی، نژادی، مذهبی و اجتماعی، به یکدیگر تعلق دارند و تعهداتی نسبت به هم دارند. این اصطلاح عموماً به معنای همکاری، همبستگی و انسجام اجتماعی است که اعضای جامعه ارزش ها، هنجارها و اهداف مشترکی را در آن دنبال می‌کنند. آنتونی گیدنز در کتاب «جامعه شناسی» اشاره می‌کند که اتحاد و همبستگی اجتماعی می‌تواند به عنوان عاملی تثبیت کننده عمل کند که به افراد احساس بخشی از یک کل مرتبط را می‌دهد (گیدنز، ۱۹۹۱، ص ۱۲۷).

تأثیر بیعت بر اتحاد و همبستگی اجتماعی

بیعت به عنوان پیمانی اجتماعی می‌تواند به طرق مختلف منجر به تقویت اتحاد و همبستگی اجتماعی شود:

۱. ایجاد حس تعلق: بیعت به افراد این احساس را می‌دهد که در یک گروه یا جامعه قرار دارند و از یکدیگر حمایت می‌کنند. کارل مارکس بر اهمیت پیوندهای اجتماعی تأکید می‌کند و می‌گوید که احساس تعلق به یک گروه می‌تواند به رفتارهای هم افزایی و همبستگی اجتماعی منجر شود (مارکس، ۱۹۷۶، ص ۴۵).

۲. تقویت اعتماد: بیعت به عنوان توافقی کتبی یا شفاهی، زمینه ساز ایجاد اعتماد میان اعضای جامعه است. پیتر بلوی در تئوری خود به اهمیت اعتماد اجتماعی اشاره می‌کند و معتقد است هنگامی که اعتماد شکل می‌گیرد، افراد بیشتری به مشارکت و همکاری تمایل پیدا می‌کنند (بلوی، ۱۹۶۴، ص ۱۲۳).

۳. تسهیل تعاملات اجتماعی: با وجود بیعت، تعاملات میان افراد و گروه‌ها تسهیل می‌شود. رابرت دال به نقش بازنمایی و مذاکره در ایجاد اتحاد اشاره می‌کند و معتقد است بیعت می‌تواند فضایی سالم برای بحث و تبادل نظر ایجاد کند (دال، ۱۹۷۰، ص ۱۴۷).

۴. ایجاد و حفظ هنجارهای اجتماعی: بیعت به افراد امکان می‌دهد هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را به اشتراک بگذارند. امیل دورکیم در نظریه خود به نقش هنجارها در حفظ همبستگی اجتماعی تأکید می‌کند و می‌گوید این اشتراک گذاری به انسجام اجتماعی کمک می‌کند (دورکیم، ۱۸۹۳، ص ۸۹).

۵. ایجاد ساختار اجتماعی مؤثر: بیعت‌ها می‌توانند به شکل گیری ساختارهای اجتماعی جدیدی منجر شوند که بر مبنای اتحاد، همبستگی و همکاری استوارند. این ساختارها می‌توانند نهادهای رسمی و غیررسمی را شامل شوند که از طریق آنها افراد به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و منابع را به اشتراک می‌گذارند.

نتیجه

نظریه اتحاد و همبستگی اجتماعی تأکید می‌کند که جوامع به واسطه توافقات و

تعهدات مشترک افراد شکل می‌گیرند. این نظریه بر این اصل استوار است که وحدت و انسجام جامعه تنها از طریق هماهنگی و همکاری افراد ممکن است. اتحاد و همبستگی اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از ارزش ها، باورها و تجربه‌های مشترک میان افراد و گروه‌ها عمل می‌کند و از این طریق است که ثبات اجتماعی و امنیت ایجاد می‌شود.

هر دو مفهوم بیعت و اتحاد و همبستگی اجتماعی به دنبال ایجاد هویت و تعلق اجتماعی در میان اعضای جامعه هستند. بیعت در اسلام به عنوان عملی جمعی می‌تواند روابط میان مسلمانان را تقویت کند، و از طرف دیگر اتحاد و همبستگی اجتماعی نیز بر اهمیت ارزش‌ها و باورهای مشترک در داخل یک جامعه تأکید دارد. بیعت به عنوان توافقی رسمی برای تبعیت از رهبری، به استحکام ساختار اجتماعی و سیاسی کمک می‌کند، در حالی که اتحاد و همبستگی اجتماعی به ایجاد نظم و انسجام و کاهش تضادها میان گروه‌ها و افراد یاری می‌رساند.

در بیعت، بر اصول مشخصی توافق می‌شود که باید رعایت شود، از جمله وفاداری به رهبر و پیروی از قوانین دین و جامعه. در اتحاد و همبستگی اجتماعی نیز افراد بر اساس ارزش‌های مشترک تعهداتی نسبت به یکدیگر دارند که می‌تواند به ثبات اجتماعی منجر شود. نامه‌های امام علی علیه‌السلام به معاویه، به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد اسلامی در حوزه بیعت، به روشنی نشان می‌دهد که بیعت واقعی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی، عدالت اجتماعی و پایبندی به اصول دینی است. در این نامه ها، امام علیه‌السلام با منطقی استوار و استدلال‌هایی محکم، بیعت را از هرگونه تفسیر قدرت طلبانه و منفعت محور جدا می‌کند و آن را در چارچوب تعهد اخلاقی و مسئولیت اجتماعی قرار می‌دهد.

به طور کلی، بیعت و اتحاد و همبستگی اجتماعی هر دو در پیوند با هم و به منظور تأمین انسجام و نظم در جامعه عمل می‌کنند. بیعت بیشتر بر اساس یک ساختار سیاسی و رهبری خاص شکل می‌گیرد، در حالی که اتحاد و همبستگی اجتماعی به عنوان مفهومی گسترده‌تر به تعاملات انسانی و همکاری میان اعضای جامعه اشاره دارد. در این راستا، بیعت می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای تحقق اتحاد و همبستگی اجتماعی در

میان مسلمانان و جوامع اسلامی در نظر گرفته شود و بازخوانی این مفهوم در عصر حاضر می‌تواند راهگشای بسیاری از چالش‌های اجتماعی و سیاسی جهان اسلام باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابن فارس، **معجم مقاییس اللغه**، ایران، قم، مکتب الاعلام اسلامی، ۱۴۰۴ق.

احمدنژاد، محمود، **مفهوم شناسی «بیعت» در فرهنگ اسلامی و نقش آن در اثبات امامت**، فصلنامه شیعه شناسی، شماره ۵۰، ۱۳۹۴.

پسندیده، عباس، **بیعت و قدرت، بررسی نقش بیعت در اندیشه سیاسی اسلام**، فصلنامه حکومت اسلامی، زمستان ۱۳۸۶.

الزحیلی، وهبه، **الفقه الاسلامی و ادلته**، تهران، ۱۳۸۲.

حسینی، **بیعت سیاسی در تاریخ ایران**، مطالعات تاریخی، ۱۳۹۷.

رنانی، **تفسیرهای مدرن از بیعت**، نشریه جنبش‌های اجتماعی، ۱۳۹۰.

شریف رضی، **نهج البلاغه**، نشر رایزن، ۱۳۸۲.

شهیدی، **بیعت و چگونگی آن در تاریخ اسلام**، کیهان اندیشه، ۱۳۶۸، شماره ۲۶.

شیرخانی، علی، **بیعت در فقه سیاسی شیعه**، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.

فاطمی، اسماعیل، **تاریخ مشروطه ایران**، انتشارات علم، ۱۳۹۳.

فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.

مطهری، مرتضی، **مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی**، صدرا، ۱۴۰۰.

موسی نجفی، **تاریخ معاصر ایران**، تهران، آرما، ۱۴۰۲.

یاوری، محمدجواد و محدر، تقی؛ **واکاوی نسبت مشروعیت و بیعت در حکومت علوی**.

منابع غیر فارسی

Anderson, Benedict. Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism. London: Verso, 2006.

Blau, P. Exchange and Power in Social Life. New York: Wiley, 1964.

Castells, Manuel. The Information Age: Economy, Society, and Culture. Oxford: Blackwell Publishers, 2010.

Dahl, R. After the Revolution: Renewal of the Democratic State. New Haven: Yale University Press, 1970.

Durkheim, E. The Division of Labor in Society. New York: Free Press, 1893.

Edmonds, John. Political and Social Institutions: A Sociological Writing. New York: Sociology Publications, 2015.

Giddens, Alex. Modern Sociology. Oxford: Oxford University Press, 1991.

Harris, Murray. Political Development in the Modern Era. Cambridge: Cambridge University Press, 2015.

Parsons, Talcott. The Social System. Glencoe, IL: Free Press, 1951.

Turner, Mitchell. Social and Cultural Change. New York: Social Times Press, 2020.